

مسئله "گت" و "عگونا" و جامعه یهودی ایرانی

در تاریخ پنجشنبه ۲۶ ماه فوریه ۲۰۰۶ جلسه ای به منظور توضیح درباره شرایط "طلاق شرعی" یا "گت" و "عگونا" و اقداماتی که در دهه اخیر در جهان به منظور جلوگیری از سوء استفاده از آن بعمل آمده است تشکیل یافت. در این جلسه که با حضور نمایندگان سازمانهای مختلف و سران جامعه تشکیل یافته بود، سخنرانان به ترتیب عبارت بودند از راب داوید شوفت از سوی ربانوت ایرانی کالیفرنیا، خانم پروانه صراف از سوی گروه فرهنگی ایما در نیویورک و دکتر ناهید پیرنظر از سوی سازمان بانوان یهود ایرانی، کسانی که در این راه کوشا بوده اند.

گرداننده جلسه دکتر مژگان حکیمی ریاست هیئت مدیره کنیسای نصیح، پس از توضیح مقدمات امر به ترتیب سخنرانان جلسه را معرفی نمودند. راب داوید شوفت در مورد جنبه های مذهبی مسئله "گت" و "عگونا"، خانم پروانه صراف در مورد "تأثیر مسئله طلاق در جامعه یهودی ایرانی" و دکتر ناهید پیرنظر در مورد "سابقه قانونی طلاق شرعی در آمریکا" و اقداماتی که در این مورد تا به حال بعمل آمده است سخن راندند. این جلسه در پایان با بحث و پاسخ به سخنان شرکت کنندگان، از سوی سخنرانان و ابراز امیدواری و همکاری حاضران در مورد ترمیم شرایط طلاق شرعی به پایان رسید.

گزارش دکتر ناهید پیرنظر که شامل توضیحات لازم و اقدامات جدید قانونی در این مورد میباشد، علت تشکیل این جلسه را مشخص میسازد.

در اکتبر سال ۲۰۰۵ جامعه ربانوت ایرانی کالیفرنیا متعهد گردید که در مورد پیشگیری از سوء استفاده و چاره جویی در مورد طلاق شرعی، به روش سایر مراکز بزرگ و شناخته شده یهودی ارتدکس تاسی جوید و با استفاده از یک قرارداد قانونی غیر مذهبی عروس و داماد را قبل از ازدواج متعهد سازد تا در صورت عدم هم آهنگی و وقوع طلاق کشوری، طرفین به حکم دادگاه شرعی پایبند بوده فرمان طلاق دادگاه شرعی را با حضور در دادگاه شرعی به منظور خاتمه ازدواج گردن نهند. آنچه را که امشب مورد بحث قرار میدهم در وحله اول ترجمه و توصیف کلمات "گت" و "عگونا" و در مرحله دوم، ارانه راه حل هایی است که تا کنون در مورد پیشگیری از ادامه این شرایط برای نسلهای آینده اتخاذ شده است.

قبل از آغاز سخن باید یادآور شد که مشوقین ما در این راه همواره مردان و زنانی بوده اند که در این مورد یا به علت وسع معلومات مذهبی شان در مورد هالاخا و یا احیاناً به علت تجربیات شخصی در زندگی خود و خانواده و آشنایان شان به قول معروف در این راه "سوخته اند".

همچنین بسیار بجاست که از تمام رسانه ها و مجلاتی که چه طی چند سال گذشته و چه ظرف چند هفته اخیر صفحات نشریات خود را به مقالات یا اعلامیه هایی در مورد امر طلاق شرعی و مسئله "عگونوت" اختصاص داده اند

سپاسگزار باشیم. شکی نیست که همه ما به هنگام ازدواج هر زوج جوان آرزوی خوشبختی و به قول قدیمی‌ها "یکسر و یک بالین" بودن را برای ایشان داریم. هدف ما از برنامه‌امشب خدای ناکرده به هیچ وجه تشویق کسی برای جدایی نمیباشد بلکه هدف از این اقدامات، فقط مربوط به زمانی است که زوج به هر علتی که هست تصمیم به جدایی گرفته‌اند و مراحل طلاق قانونی خود را طی کرده‌اند. منظور از جلسه‌امشب در واقع آگاه نمودن اجتماع از حقایق و جلوگیری از سوء استفاده از امتیازاتی است که به عنوان "گت" در هالاخا یعنی شریعت یهود به شوهر از یک سو و از سوی دیگر حق عدم قبول آن به زن میباشد که بعدها به او داده شده است. سوء استفاده طرفین از این امتیازات میتواند به علل امور مالی، سرپرستی فرزندان و یا صرفاً به خاطر انتقام جوئی باشد. نقش ما افراد جامعه این است که نسبت به این سوء استفاده‌ها ساکت نشینیم و افراد اجتماع را در این مورد آگاهی دهیم.

لغت "گت" به معنی طلاق شرعی در یهودیت، تنها در سفر تثنیه باب ۲۴ ذکر شده است. در یهودیت اگر چه طلاق به صورت یک حقیقت پذیرفته شده است، در تمام قوانین شرعی علل آن برای مردان تقریباً نامحدود میباشد. در حالیکه تنها حقی که در این مورد به زن داده شده است، فقط حق رجوع به دادگاههای مذهبی برای دادخواهی میباشد. (۱)

در قرن دهم میلادی به رهبری راب گرشوم (Rabbenu Gershom) قانون طلاق علی رغم جمله صریح تلمود، مبنی بر عدم لزوم موافقت زن به هنگام طلاق، ترمیم یافت و قانونی به منظور منع طلاق زن بر خلاف میل او به تصویب رسید. (۲)

با این وجود یک مرد یهودی در صورت عدم قبول "گت" از سوی همسرش میتواند به راحتی طلاق شرعی همسرش را نزد یک مرجع مذهبی به امانت بگذارد و خود همسر دیگری اختیار کند. در حالیکه زن یهودی بدون دریافت "گت"، "عگونا" خوانده میشود و تمام عمر ممکن است در بند اسارت شوهر غایب و یا انتقام جوی خود بدون حق آزادی و ازدواج مجدد به انتظار بنشیند. قبل از اینکه وارد جزئیات مذهبی و حقوقی مسئله "عگونا" بشویم، لازم به تذکر میباشد که در حال حاضر و در جهان غرب مسئله "عگونا" فقط در جامعه ارتدکس یهودی مطرح است یعنی کسانی که میخواهند ازدواج و طلاقشان در دفاتر شرعی ارتدکس انجام پذیرد. سابقه تمام ازدواجها و طلاقهای مذهبی ما در ایران و اسرائیل نیز چنین بوده است. زیرا که مراجع مذهبی ایران و اسرائیل تنها عقد و طلاق شرعی ارتدکس را به رسمیت میشناسند.

در آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، که یهودیت چهره‌های متفاوتی پیدا کرده است، نهضت کنسرواتو این مسئله را حل کرده است. بدین ترتیب که در سال ۱۹۵۴ بنا به پیشنهاد شانول لیبرمن، یک ربای کنسرواتو آمریکا تبصره‌ای به داخل متن کتوبا اضافه شد که طبق آن زن و شوهر در صورت عدم توانایی حل مشکلات زناشویی خود به هنگام جدایی و عدم همکاری شوهر در این امر، اختیار ختم ازدواج را به ربانوت دادگاه مذهبی کنسرواتو واگذار میکنند.

این تبصره اضافی امروزه در سراسر کتوباهای کنسرواتو گنجانیده شده است و در این جلسه نیازی به بحث درباره آن نیست. در آن هنگام یهودیان ارتدکس، چون معتقدند که هر گونه دخالت و یا تغییر در متن کتوبا از جنبه هالاخایی (فقهی) آن میکاهد، از قبول پیشنهاد لیبرمن امتناع ورزیدند.

اما در سالهای اخیر، یهودیان ارتدکس نیز در سراسر جهان بخصوص در آمریکا آرام ننشستند و در صدد بر آمده‌اند که از راه مراجع قانونی و کشوری، بدون ایجاد تغییری در متن کتوبا مرد را برای دادن "گت" تحت فشار قرار دهند. در این راه بوده است که در سال ۱۹۸۳ در شهر نیویورک بنا به پیگیری جامعه زنان یهودی ارتدکس، ماده‌ای قانونی به تصویب

رسید که در آن برای صدور طلاق رسمی یا کشوری، قبلاً باید طلاق مذهبی یا گت" صادر شده باشد. بدینوسیله از مراجع قانونی غیر مذهبی کمک گرفته میشد تا قوانین مذهبی را به مرحله اجرا در آورند. این حکم در آمریکا مشکل دیگری را بوجود آورد و آن اصل جدایی حکومت و مذهب در قانون اساسی آمریکاست. به عبارت دیگر دادگاه دولتی نمیتواند ضامن اجرای یک امر مذهبی باشد. در نتیجه این راه حل نیز نتوانست مؤثر واقع شود.

بالاخره در سال ۱۹۹۴، رهبران مذهبی ارتدکس طرحی دیگر در انداختند و آن تنظیم یک موافقت نامه قانونی، قبل از ازدواج مذهبی میباشد که همان Pre-nuptial Agreement نامیده میشود. چنین قراردادی که میتواند منحصرأ مربوط به موضوع گت" باشد، از نظر هالاخا مورد قبول و از نظر قانونی دارای قدرت و قابل الاجراء است. این نوع موافقتنامه ها که بنا به قوانین حکومتی هر ایالت و هر کشور ممکن است انشاء و متن متفاوتی داشته باشد همگی سعی بر این دارند که طرفین را از طریق مراجع قانونی کشوری مکلف به حضور در دادگاههای مذهبی و اجرای دستورات آن بنمایند.

هر چند که این قراردادها از سوی رهبران آمریکایی و حتی گروهی از رهبران اسرائیلی برای مصرف در آمریکا مورد تأیید قرار گرفته است، در کشور اسرائیل چندان مورد نیاز نیست زیرا که در آنجا قوانین کشوری برای دینام و مراجع مذهبی اختیارات اجرایی بیشتری را در نظر گرفته است. به طوری که ربانوت اسرائیلی میتوانند حکم توقیف و زندانی کردن شوهری را که از دادن طلاق شرعی همسرش سر باز بزند، صادر نمایند.

آنچه که مسلم است هنوز مسئله "عگونوت" در یهودیت بخصوص در جامعه ارتدکس حل نشده است و همه این مساعی حالت پیشگیری دارند.

در این راه آنچه که ایده آل است رعایت نکات ذیل میباشد:

۱- اعتبار عقد نکاح باید مشروط به حضور و شرکت شوهر در زندگی زناشویی باشد. به عبارت دیگر غیبت شوهر در ازدواج نباید نامحدود باشد.

۲- ماهیت طلاق را باید از صورت یک طرفه بودن و انحصار شوهر خارج ساخت و به صورت امری دو جانبه در آورد.

۳- امور مالی، تقسیم دارایی، سرپرستی کودکان را باید به دست مراجع قانونی و کشوری سپرد و نه در اختیار دادگاههای شرعی.

۴- قرارداد مورد بحث (Pre-nuptial Agreement) که به منظور جلوگیری از ضرب المثل "مهر حلال و جان آزاد" طرح شده است تنها باید مسئله گت" را در برداشته باشد. مسلماً آنچه که حلال تمام مشکلات خواهد بود صدور یک فرمان شرعی به نام Pesak Halakhah از سوی مراجع ارتدکس در اسرائیل میباشد، چیزی شبیه فرمان راب گرشوم (۱۰۲۸-۹۶ میلادی) در مورد منع حق طلاق از سوی شوهر بدون اخذ رضایت زن. در حال حاضر راههایی که برای زنان عگونا باقی میمانند عبارتند از:

۱- امید به پا در میانی و وساطت اقوام و آشنایان.

۲- گذشتن از تمام حقوق مالی و حق مادری در مورد سرپرستی اطفال به منظور اخذ آزادی از یک ازدواج تمام

شده.

۳- در صورت ناامید شدن از گرفتن طلاق شرعی از سوی دادگاههای ارتدکس، اغلب زنان در آمریکا روی به دادگاههای شرعی کنسرواتو آورده، حکم طلاق را از آنان اخذ مینمایند.

چنین زنانی اغلب با انتخاب چنین راهی، مسئولیت یافتن راه حل را به نسلهای آینده واگذار میکنند. آنها با پیدا کردن راه‌های فردی هیچگونه مسئولیتی را به آیندگان، بخصوص دختران جوانی که بی اطلاع از این امر، معصومانه کتب‌های ارتدکس را امضاء میکنند بر دوش نمیکشند. بنابراین آنچه که فعلاً در این مرحله مایه امید است همانا امضاء دو طرفه قراردادهای مشترک Pre-nuptial قبل از عروسی میباشد.

این قراردادها همواره در حال تکمیل و تکامل هستند و خوشوقتی که ربانوت ایرانی در اکتبر ۲۰۰۵ خود را همواره نسبت به استفاده از پیش رفته ترین نسخه آن از سوی دادگاه شرعی ارتدکس آمریکا متعهد ساخته اند. مشخصات قرارداد تأیید شده و مورد استفاده ربانوت ایرانی عبارتند از:

۱- این قرارداد به وسیله ربانوت ارتدکس آمریکا

The Beth Din of the United States of America و وکلای متخصص در قوانین شرعی یهودی و دولتی آمریکایی تدوین و طرح شده است.

۲- در صورت لزوم، دادگاه شرعی از سوی Beth Din of America انتخاب و یا مورد تأیید قرار میگیرد.

۳- متن این قرارداد مطابق با قوانین ایالت آمریکا وضع شده ولی از نظر اعتبار اجرایی در تمام دنیا معتبر میباشد.

۴- این قرارداد دارای تعهد دو جانبه میباشد. بدین معنی که داماد و عروس هر دو متعهد میشوند بعد از طلاق کشوری، در صورت عدم حضور و پیروی از دستور دادگاههای شرعی به منظور "دادن طلاق" از سوی شوهر و "قبول طلاق" از سوی زن روزانه مبلغ تعیین شده ای را که فعلاً معادل با ۱۵۰ دلار است به طرف مقابل بپردازند.

۵- این قراردادها هیچ حق مالی و یا معنوی دیگری را به جز امر طلاق شرعی لغو نمیسازد.

۶- طبق قوانین ایالتی کالیفرنیا این قراردادها علاوه بر تصدیق امضاء طرفین باید از سوی وکلای عروس و داماد آینده نیز تأیید و امضاء گردد تا خدای ناکرده در آینده هیچ خللی بر اعتبار آن وارد نگردد.

امضاء این قراردادها مانند آزمایش خون در ایران، قبل از مراسم نامزدی باید عادی و اجباری گردد. زیرا که این قرارداد در آستانه یک زندگی مشترک تنها محک آزمایش از صداقت و ابراز حسن نیت طرفین به همدیگر میباشد. ما اکنون به قضاوت ننشسته ایم که چه درست است و چه غلط و یا اینکه مردم درباره زندگی خود و چگونگی پیمانی که با هم میخواهند ببندند چگونه تصمیم بگیرند زیرا افراد آزاد هستند که در هر سطح مذهبی ارتدکس یا کنسرواتو پیمان ازدواج ببندند. اما مسئولیت ما انتشار حقایق و آگاه کردن پدران و مادران، دختران و پسران جوان است. این مسئولیت بر عهده پدران و مادران و رهبران مذهبی جامعه است که امضاء این گونه قراردادها را قبل از عقد نکاح پیگیری و طلب نمایند و فرزندان خود را چه دختر و چه پسر نسبت به لزوم اجرای این امر به منظور حفظ "مصلحت جامعه" تشویق و ترغیب نمایند. زیرا که امضاء این چنین قرارداد عادلانه و انسانی، نمایانگر انتخاب یک یار و همسر درست در زندگی و ضامن بقای یک ازدواج سالم خواهد بود. امضای چنین قراردادی از ازدواجهای مصلحتی و حساب شده، که از بهر "نقشی و رنگی" است خواهد کاست. زیرا که شرط اول یک زندگی مشترک همانا عشق و احترام به حقوق مساوی و انسانی طرفین در راه پر فراز و نشیب زندگی است. قبول چنین قراردادی، بهایی بسیار کم برای حفظ و بقای پیمانی بس پر بهاء و طولانی میباشد.

۱- زن و شریعت یهود، راحل بیاله، پادیاوند، جلد اول، ۳۴۲.

۲- زن و شریعت یهود، راحل بیاله، پادیاوند، جلد اول، ص ۳۴۱.

از پروانه صراف - نیویورک

انگیزه اصلی و اقدام به رسیدگی مسائل مصیبت بار زنان "عگنوت" در اثر فعالیتهای وسیع اجتماعی و دوازده سال تجربه بعنوان مشاور خانوادگی است. با مسائل و اختلافات موجود آشنا شده و در پی یافتن راه حل صحیح و شرعی برای هر يك از اعضا جامعه خود بوده ام. روبرو شدن با هر يك از گرفتاریهایی که خانواده را از هم پاشیده و اعضا را مستأصل مینمود بغایت رنج آور و دردناک است. و اغماض و یا چشم پوشی از این اشکالات میتواند لطمه سنگین تری بر ستون جامعه ما باشد. لذا بعد از آموختن و تحقیق و همکاری با سازمان بانوان ارتودکس یهودی جهانی. این مسئله "غامض" را در بطن اجتماع خود مطرح و بدنبال حل آن اقدام نمودم.

مسئله را با ربانیم عالیقدر اجتماع یهودیان ایران در نیویورک و لوس آنجلس مطرح ساخته و بعد از ۳ سال فعالیت و پی گیری خوشحالم که با همکاری دیگر خواهران عزیزم مقیم لوس آنجلس به سرپرستی دکترناهد بیرنظر موفق به کسب پیشرفت نسبی شده ایم امیدوارم که با مستحکم نگهداشتن ستونهای خانوادگی، از جامعه ای سالم تر و موفق تر برخوردار شویم.

با سپاس از همه حامیان و شما دوستان عزیز

مقدمه: طرح و حل مسئله عگنوت در سالن کنیسیای نسخ در لوس آنجلس

در مکتب الهیات سؤال شده که خدا کجاست؟ جواب آنکه خداوند در جمع کسانی خیمه میزند که برای اقدام کار نیک یکصدا و همدل دور هم گرد آیند. مثل این جمع مقدس که امروز برای بهبود وضع خواهران یهود گرد هم آمده اند.

سپاس قلبی و صمیمانه خود را خدمت ربای داوید شوفط و دگر ربانیم عالیقدر هدیه میکنم.

من از خاندان یعقوبیم و توراتم از من خواسته که عدالت را هدف زندگی ام قرار داده و حفظ نمایم.

צדק צדק תרדף - عدالت را جستجو کرده و دنبال کنید و ما و من انجام وظیفه میکنیم.

بنا به آیاتی که در سفر برشیت در آغاز آفرینش ثبت شده است در مورد خلقت انسان چنین آمده است:

ו ה ברא אותם ויברך אותם ויקרא את שמם

و خداوند آنان را (مذکر و مونث) آفرید - آنان را برکت داده و آنان را نام گذاری نمود.

زبانی که در این آیه ها بکار رفته است نمادی است از تساوی مطلق.

در تلمود آمده است هر نسلی دارای نیاز مخصوص بخود است. احتیاج به جامعه خود، رابطه های

مخصوص خود و مکتب ایمانی و خاص خود است و میدانیم که هیچ بهشتی بخودی خود ساخته نمیشود.

آنچه مسلم است ما امروز با پدیده و روندی روبرو هستیم که بقدری تازه و نوبرانه است که حتی اسم

صحیحی برای آن نداریم و جمعاً بآن "تزلزل خانواده" و عریان تر بگویم مسئله "عگنوت" مواجه شده که

خود مسئله ایست باستانی.

در کتاب دواریم فصل ۲۳ آیه ۱ نوشته شده: هر گاه شخصی زنی را به نکاح خود درآورد... و اگر...

آنگاه شوهر طلاقنامه را نوشته بدستش بدهد و او را از خانه رها سازد.

برداشت ناشی از بی عدالتی در جامعه یهودیان جهان نسلهای متوالی را متزلزل کرده است.

بحران زنان اسیر و دربند عگونوت بقدری مهم و حیاتی است که در اکثر جراید جهان یهودیت روزانه بطریقی مطرح میگردد و خوشبختانه افراد روش بین و خیر اندیشان جامعه ما نیز کاملاً از این بحران مطلع بوده و بنده کمترین همراه با سایر خواهران عزیزم سالهاست که فعالیت کرده و در قبال حمایت رهبران قومی و مذهبی و شما عزیزان در آستانه برداشت ثمری هستیم.

ازدواج تمنای زیست انسانیست - طریق همسرگزینی و زناشویی و وصلت نتیجه یک سیر تکاملی است. در تکمیل این مسیر از بدو آفرینش تا عصر حجر دو مفرخ تا عصر فضا و اینترنت در مورد این پیوند و میثاق مقدس، ازدواج تنها عامل ضد ضربه طرحی است که در تورا آمده است. در برشیت آمده

על כן יעזוב את אביואת אימו ודבק באשתו

و لذا مرد خانه پدر و مادرش را ترک کرده و به همسرش می پیوندد. هدف از ازدواج سیر تکاملی است که انسانها را به کمال میرساند.

در ازدواج يك "معادله" کلاً از هم پاشیده و به يك "معادله" دیگری در می آید آن اینکه در مرحله زناشویی انسانها هر کدام از انسان گیرنده بصورت موجود دهنده در می آید و در واقع کسی سهیم میشود که از عقل کل برخوردار است. تنها جاییکه محاسبه عقلانی بهم میخورد آنکه و ۱+۱ دو نمیشود، پیوند دو انسان است. من و تو میشویم ما. در مکتب یهود ازدواج نه گذشت نه ایثار و نه تصاحب کردن علیرغم دیدگاههای موجود بجز نیکی مطلق.

در یهودیت نهاد ازدواج بعنوان يك اساس مهم و حیاتی به ثبوت رسیده است و علیرغم تلاطمهای اجتماعی و پدیدار گشتن انگیزه های مخرب و یا رفتار لجام گسیخته یهودیت همیشه از این گزند در امان مانده است. بشرط آنکه به ریشه ها بچسبیم و نه به ظواهر فریبنده و بتهای عصر. در مراسم یهود ازدواج عرف مقدسی است و انسانها بصورت کالا معاوضه نمیشوند. فرضیه پیدایش جهان "نهاد خانواده" که نقطه اصلی کتاب ما است که در روز روش هشانا مطلب تورا و هفتارا همین خانواده است. مرکز ثقل و حرمت و تقدس مذهب ما بعد از خدا، کانون خانواده است. در واقع خانواده وجود خدا را برملا میکند.

خانه ما قلب يك ملت است. اگر محیط خانواده مریض باشد جامعه نیز بیمار خواهد بود. اگر جامعه ای به فساد آلوده گردید به پاسداران شهر خرده نگیرید، اولیاء و مربیان را توبیخ و تنبیه نمایید.

אל תאשימו את השוטרים תענישו את המורים

کانون خانواده را מקדש מעט معبد مقدس داده اند زیرا هر يك از منازل ما خود بیت المقدسی است ثبات و ارزش و قدرت و بقای این معابد فقط و فقط بستگی تام به ثبات خانواده است.

فضای رشد دهنده انسانها هر چه هست از همین باغ است. و نامش را خانه گذاشته اند و زنان و مادران حافظ این معابد مقدس هستند برای همین به زن خانه لقب لاکرات داده اند از ریشه لایקר مهم و اصلیت توضیح مسئله: يك اجتماع قابل زیست باید قوانین عادلانه ای داشته باشد. در مورد ازدواج گفته شده

זה השער לה צדיקים יבואו בו این دروازه های معراج الهی جانیست که زاهدان بدان میرسند آنانکه بزیر خوفا و حمله ایستاده اند این دروازه ها را زیارت کرده اند و زندگی مشترک همان بهشت خدا است. اگر در اثر قصور و غفلت با کلیدهای نامتناسب مشغول شویم در پشت دروازه ها در جا میزنیم و در کمال

تأسف باید به همزاد ازدواج یعنی طلاق رو آوریم. رامبام فیلسوف قومی، شمع شبات را نمادی از روشنایی و آرامش خانه تفسیر میکند و تمامی متون توره برانگیزه این آرامش خانه است زیرا وقتی خانه ای ویران میگردد، قربانگاه نیز میگردد (از سنگ ناله خیزد)

و دردناکتر از ویرانی اورشلیم و ستونهای بیت همیقداش، وقتی است که ستونهای خانوادگی متزلزل میگردد و هدف کلی امروز ما ترمیم و مستحکم کردن این نهادهای اصلی جامعه است.

ما نمیتوانیم همه را يك جا با يك اقدام درست کرده و عوض کنیم. ولی با شناخت مسائل و درك آنان میتوانیم خانه های خود را آباد و بحث و اقدام ما درباره ترمیم خانه های ما است.

متأسفانه سالیان سال زنانی که مورد قهر طبیعت و یا جهالت آدمیان قرار گرفته اند با تمکین و نثار سکوت کرده و چه بسا زندگی را باخته اند. زنانی که همسر آنان یا مفقود شده و یا در کمال قساوت قلبی و روحی زن خویش را فراموش کرده و رها کرده اند. درحالیکه این گونه زنان گنج و مبهوت در مورد زندگی شخصی خود درجا زده اند. زیرا شرعاً و قانوناً امکان ازدواج مجدد نداشته و در واقع در بند و اسارت همسر خود به گور رفته اند. مگر نه آنکه آنهایی که آزادند صاحب قدرت بالاتری اند. اکثریت مردم از این مصیبت بی خبرند. و بر این تصورند که در صورت بروز اختلافات خانوادگی و فاقد صلاحیت همسر از طریق دادگاههای شرعی طلاق نوشته و داده خواهد شد درحالیکه اصلاً چنین نیست زیرا طلاقنامه را شوهر باید بدست زن خویش بسپرد که در اکثر موارد این سپردن گت به تلخ ترین ماجرا تبدیل میگردد.

در تلمود شولخان عاروخ هرگز دادن طلاق را توصیه نکرده است اما زمانیکه مرد یا زن با روبرو شدن با مسائل لاینحل و مشاورتهای خانوادگی و غایت تلاش تصمیم گرفته که با هم زندگی نکنند و از زندگی کردن با هم امتنان دارند، دادن طلاق تنها عمل اخلاقی است. و بنظر اولیاء امور و بنده خودداری از دادن طلاق، نوعی تجاوز به همسر است. در دوران تلخی جدائی و مخالفت و طلاق دادن گت از يك מצווה تبدیل به תואבה بمعنی Acromony تلخی و درستی و تندی درخواهد آمد. تذکر این اصطلاحات در مورد گت لازم است **לט מעוסה- חובה לגרש- סירוב- פדיון שבויים** که برای ترمیم صورت گرفته که ربانیم، کاملاً آگاه و واقفند. اظهار ناتوانی از کمک کردن به زنان ستمدیده از همسران متجاوز بد رفتار و خشن با مکتب یهود کاملاً مغایرت دارد. زیرا قوانین مذهبی یهود بر پایه عدالت و مهر استوار گردیده **רחמנים בני רחמנים**. سکوت و یا بی تفاوتی در مقابل کسانی که قوانین یهود را نادیده گرفته و از دادن طلاق خودداری میکنند، صدمه بزرگتری بجامعه میزنند. اولاً با آزاد نکردن زنان جوان و ازدواج مجدد آنان باعث تقلیل جمعیت قومی شده و نیز مایه ای منحوس برای شایعات و بی حرمتی به مکتب ایمانی و مذهبی است و از همه مصیبت بارتر ازدیاد بچه های نامشروع و آشفتهگی خانه ها و صدمات روحی جبران ناپذیری که در فرزندان آنان ملاحظه میشود.

خانم ۲۲ ساله حسابدار سوگند خورده برایم نوشت خانه صراف "قدم رنجه کن از مهر به مهمانی من" تا هویت و وضع تحمیل شده قانون و بر زنان نشان دهم. در ادامه تلخ گفتار مینویسد:

اینها همه ظاهر امر است و اسرار مرا از درون من نمی جوئید. کاش با ذهن و دل و افکار من که در میان آنان عمر میکنم همدلی میکردند تا بدانند که من نیز خواهر و مادر و دختر و همسایه و دختر خاله . . . و بالاخره بخشی از تن قومی و خویشی از آنانم. زیرا آنچه را که تا الان می پندارند پنداری است که از پس

پستوی زهني آنان می آید. من علیرغم لقب توراتی که بمن داده شده **אם כל חי** مادر شريك بلاعوض خدا است. این چه موجودی است که حق حیات خویش را ندارد. همانند کبوتر حرمی که اجازه ورود به حریم را ندارد. در وقت مصیبت ما نباید هیچکس را تنها بگذاریم. ترمیم این قانون گت اقدامی است که سالها پیش از طریق خواهران و برادران یهودی ما در سراسر دنیا صورت گرفته زیرا در حدود ۳۳ هزار "زن" در بند این وضع وجود دارند.

و خواهران بسیار گرامی من زیر سایه رهبران صلاحیت دار و با درایت در جامعه خود هاراو داوید شوفط، هاراو یدیدیا انزراحیان و هاراو الیاهو بن حییم برای ترمیم و جلوگیری از صدمات پیشتر اقدام کرده و خوشبختانه به نتایج اولیه رسیده ایم و نجات هر يك از این خواهران اسیر خود **קדושה** است. زیرا بعد از ۱۲ سال بعنوان مشاور خانوادگی فقان آنان را شنیده ام. به ربانیم جامعه خود پارسال رو کرده ام زیرا شادروان پدرم بمن آموخت و روزانه در عبادت میگوئیم **אל תגעו במשיחי ובניאי אל תראו** : به رسولان و فرستادگان من حرمت گذار.

اقدامات بسیار وسیع و دامنه داری در سراسر جهان صورت گرفته - امریکا - اسرائیل - کانادا - اروپا تمامی مواد حاضر در اختیار علاقمندان خواهیم گذاشت تا با این مسئله و دلیل اقدام به ترمیم قانون گت بیشتر آشنا شوند.

تورات سند هویت دینی و اخلاقی است و وظیفه و تلاش ما همگی ایجاد و حفظ عدالت است. خواه بین دو جنس خواه دادهای اجدادی و فرهنگی. من همیشه خوشبین و امیدوار بوده ام و سعی کرده ام از طریق حرفه مقدس تدریس از میان رابطه های انسانها در لابلای متون روحانی و اخلاقی و انسانی، تجربیات و سنت یاد گرفته و جواب را پیدا کنم که خوشبختانه در آستانه آن هستیم.

לומד אני לפני הכותל האבנים עדים לחורבן ביתינו והיום עדים לחורבן עמינו

در مقابل دیوار ندبه ایستاده ام و فکر میکنم این سنگها شاهد ویرانی خانه منند. و امروز ما شاهد اضمحلال قوم هستیم کدامیک دردناکتر است؟

با سپاس و تشکر از همه شما عزیزان

